

بسمه تعالی

عنوان واحد درسی: راهبردهای تدریس در آموزش زیست شناسی و فیزیک (فایل دوم)

دانشجوی گرامی: مطالب زیر در ادامه فایل اول سه نوع رویکرد تدریس را توضیح می دهد. امیدوارم با مطالعه این متن و با ملاک قرار دادن مولفه های «رشد ها»^۱ در قالب یک جدول و یا دسته بندی مورد علاقه خود مقایسه مختصری بین راهبردها ارائه نمایید. این مقایسه را به عنوان تکلیف و فعالیت کلاسی تهیه و برای ارائه آماده نمایید. مدرس داداش زاده

در راستای مطالبی که قبلا با عنوان سه معلم برای شما معرفی شد:

جیم می کوشد تا مهارت ها و موضوعات درسی مهم را به کارآمدترین شیوه به دانش آموزان منتقل نماید. **نانسی** سعی می کند تا از طریق درگیر کردن دانش آموزان در تجارب هدفمندی که با زندگی آن ها مرتبط است، فردیت آن ها را پرورش دهد.

روبرتو دانش آموزانش را ترغیب می کند تا مانند یک مورخ بیندیشند و از آن طریق احساسی را از گذشته ایجاد و درک نمایند.

سه رویکرد تدریس نام گذاری شده برای هر کدام از روش ها به ترتیب:

رویکرد اجرایی Executive Approach - در رویکرد اجرایی، معلم به همراه دانش آموزان، از طریق کاربست بهترین فنون و مهارت های موجود، مسئول ایجاد نتایج معینی (یادگیری) می باشد. مطالب درسی و روش های تدریس به طور دقیق طراحی می شوند.

رویکرد تسهیل کننده Facilitator Approach - در رویکرد تسهیل کننده، به تجارب قبلی دانش آموزان تاکید زیادی می شود. معلم تسهیل کننده یادگیری بوده و با احساس همدلی، معتقد است باید به افراد کمک کرد تا به طور فردی رشد کرده و به سطح بالایی از خودشناسی و خودشکوفایی و خودشناسی نائل شوند.

رویکرد آزاد اندیشانه Liberationist Approach - در رویکرد آزاد اندیشانه، معلم ذهن دانش آموز را باز و آزاد می کند و او را در مسیر انسانی دانستن به حرکت در می آورد و به او کمک می کند تا انسانی اخلاقی، مطلع و کارآزموده شود.

درک این رویکردها مبنایی برای انتخاب چگونگی تدریس و ارزشیابی خواهد بود. این رویکردها بر اساس توجه به **پنج مولفه** با یکدیگر مقایسه می شوند.

مولفه اول: روش - مشتمل بر مهارت ها و فنی که معلمان برای کمک به دانش آموزان در کسب دانش، فهم و مهارتی که به آن نائل می شوند، مورد استفاده قرار می دهند.

مولفه دوم: شناخت از دانش آموزان - آنچه معلم در مورد دانش آموزان می داند. مانند علایق، استعدادها و دلمشغولی های آن ها، سرگذشت فردی و پیشینه خانوادگی، عملکرد تحصیلی آن ها در سال های گذشته.

مولفه سوم: دانش مربوط به محتوا - ناظر بر اطلاعات معلم در مورد درسی است که تدریس می کند.

مولفه چهارم: هدف ها و غایاتی که برای تدریس توصیف می شوند. - ممکن است در جامعه ای پرورش تفکر انتقادی، رشد قوه قضاوت صحیح اخلاقی و پرورش شهروند نمونه در اولویت باشد. در جایی دیگر خواندن، نوشتن، حل مسئله، و یا تسلط بر بخشی از دانش بشری در حوزه های مختلف اهداف متبلور شوند.

مولفه پنجم: ارتباط بین معلم و دانش آموزان - آیا تسلط دانش آموزان بر موضوع، یک مساله بسیار مهم است که به بهترین وجه از طریق پافشاری روی مطالبی به دست می آید که از دغدغه ها و علایق شخصی دانش آموزان فاصله دارد؟ آیا معتقدید که برای داشتن رابطه موفق با دانش آموزان باید به «درون افکار آن ها راه یابید» تا بدانید چگونه می اندیشند و چطور پاسخ می دهند تا بهتر بتوانید به آن ها کمک کنید تا آنها بتوانند به افرادی با تفکر انتقادی و اندیشمندانی با اخلاق تبدیل شوند.

^۱ روش ها، شناخت از دانش آموزان، دانش، هدف ها، ارتباط با دانش آموز

روش - شناخت از دانش آموزان - دانش مربوط به محتوا - هدف ها - ارتباط معلم با فراگیران - «رشد ها»

برخی از مولفه ها از ویژگی های خاص یک رویکرد هستند. در حالی که برخی دیگر در یک رویکرد می تواند حالت غالب و در رویکرد دیگر حالت نهفته یا مغلوب داشته باشد.

رویکردهای تدریس طرح ها یا چارچوب هایی برای مطالعه و ارزشیابی تدریس به حساب می آیند. بنابر این، رویکردهای تدریس طرح ها و تمهیداتی هستند که در درک فعالیت های متنوع تدریس و قضاوت در مورد این فعالیت ها به شما کمک می کنند.

۱- رویکرد مدیریتی یا اجرایی

در شرایطی که دانش آموزان به این علت در کلاس هستند که از آنها خواسته شده است آن جا باشند، نه اینکه به میل خود در این مکان حضور یافته باشند، و معلم در تلاش است تا فراگیران را در مطالعه محتوایی که تجویز شده است، درگیر نماید، این رویکرد مورد توجه قرار خواهد گرفت. وظیفه معلم در چنین کلاسی:

- ✓ درگیر کردن دانش آموزان با محتوای معین
- ✓ ارزشیابی تشخیصی و تعیین توانایی های فراگیران برای ورود به درس جدید
- ✓ تعیین راه های انتقال مواد آموزشی به فراگیران
- ✓ تعیین تمهیدات انگیزشی برای علاقه مندی و درگیر کردن آنها در موضوع
- ✓ تصمیم گیری در خصوص مواد، وسایل، مکان، زمان، گروه بندی و ارزشیابی در طراحی آموزشی
- ✓ تأمل در اثربخشی طراحی آموزشی و بازنگری های لازم

چنانچه اگر نقش معلم تنها تدریس تلقی شود، تدریس تا حدود زیادی یک فعالیت ساده به حساب می آید. فعالیتی که شامل گرد هم آوردن و نشان دادن دانش آموزان در صندلی، جلب توجه و ارائه اطلاعات به شکل سازماندهی شده می باشد. این نوع نگاه در قرن ۱۹ و تا اواخر قرن ۲۰ حکمفرما بود. از دهه ۱۹۷۰ به بعد، صاحب نظران و پژوهشگران موقعیت های کلاسی را به مراتب پیچیده تر از آنچه مردم آن را بسیار ساده می پنداشتند یافته و معرفی کردند. آنها دریافتند که معلمان در فعالیت های پیچیده تر و غامض تری از آن چه به طور سنتی تلقی می شد درگیر هستند. در این نگاه، انتقال محتوای آموزشی به فراگیران بخشی از وظایف معلمی محسوب شده و معلمان وظایفی فراتر دیگر نیز دارند:

- آشنایی و استفاده از فنون و روش های انتقال مواد درسی، مدیریت تجهیزات آموزشی
- ارتباط با والدین
- پاسخ گویی در برابر مدیر مدرسه و اولیا، مراجع محلی، استانی و مرکزی
- مدیریت زمان

این فعالیت ها نیازمند برنامه ریزی دقیق، عمل مبتنی بر برنامه (همراه با بازنگری های در جریان عمل)، ارزشیابی مستمر، بازنگری برنامه ها و تلاش های آموزشی دیگر را ضروری می سازند. آنچه در این مطالب مشاهده می شود، انواع فعالیت هایی است که مدیران نیز آنها را انجام می دهند. لذا در این حالت، عمل معلم نوعی نقش مدیریتی محسوب می شود.

رویکرد مدیریتی، بر روش تدریس و به دانش مرتبط با موضوع درس تأکید زیادی دارد. برعکس، بر شناخت فراگیران خود، هدف های غایی و ارتباط بین معلم و دانش آموز تأکید نسبتاً کمی دارد.

در رویکرد مدیریتی، هدف با دانش در می آمیزد و بنابراین هدف عمده کسب دانش است. دانش آموز تقریباً، یا به طور کامل بدون آگاهی و دانش وارد کلاس می شود و معلم فرایندهای پیچیده آموزشی را از طریق منابعی از جمله: کتاب های درسی، فیلم، اینترنت، کتاب های تمرین، ارائه درس توسط معلم، مباحثه و مانند آن به گونه ای مدیریت می کند تا فراگیر را قادر سازد دانش را کسب کند.

دانش در رویکرد مدیریتی معمولاً به عنوان یک امر بیرونی که خارج از یاددهنده و یادگیرنده قرار دارد تصور می شود و یاددهنده به عنوان انتقال دهنده دانش به فراگیر عمل می کند. یکی از نقاط قوت در رویکرد مدیریتی انتقال نوع معینی از دانش از یک منبع به ذهن فراگیر است. چنانچه این رویکرد با دقت اجرا شود این احتمال بیشتر می شود که تعداد بیشتری از فراگیران حجم بیشتری از محتوا را فرا خواهند گرفت. بنابراین، اثربخشی معلم به توانایی معلم در حصول دستاوردها و موفقیت های بالاتر از آزمون های استاندارد پیشرفت تحصیلی خواهد بود.

در رویکرد مدیریتی، روش ها محور اصلی رویکرد می باشد و بر اداره کارا و اثربخش فرایندهای کلاسی تاکید می کند. دغدغه اصلی معلم به کارگیری روشی برای انتقال دانش به فراگیران است. از جمله: مدیریت زمان، نشانه ها، بازخورد اصلاحی، پاداش و زمان انتظار، برنامه درسی بسیار ساخت مند، طرح درس های از پیش تهیه شده تفصیلی و آزمون های بسیار دقیق و جدی. و در نهایت مطالعه و بهبود روش ها.

در رویکرد مدیریتی، شناخت فراگیران، اهداف و ارتباط بین معلم و فراگیران به کلی فراموش نشده است، اما به نحو شایسته ای مورد توجه قرار نمی گیرند. بلکه عمدتاً به عنوان ابزاری که بتوان از آنها برای فراگیری دانش توسط فراگیران استفاده نمود.

۲- رویکرد تسهیل گرانه (معلم به عنوان تسهیل گر)

موضوع درسی در این رویکرد، بیشتر به این دلیل مورد توجه قرار می گیرد که در رشد دانش آموزان موثر می باشد. معلم تسهیل کننده بر این باور است که دانش آموزان معمولاً با در اختیار داشتن میزان زیادی از دانش و درک وارد مدرسه می شوند. ممکن است این دانش و فهم به اندازه دانش موجود در برنامه درسی رسمی مدرسه نباشد، اما از آنجا که برآمده از تجارب زندگی است، برای کودکان بسیار واقعی و برای جوانان به منظور داشتن عملکرد مثبت در خانه، جامعه محلی و فرهنگ همسالان حیاتی است. یکی از وظایف کلیدی معلم آن است که دنیایی را که کودک به مدرسه می آورد با دنیایی که مدرسه در صدد آن است مقابل کودک بگشاید، در هم بیامیزد. به منظور تحقق تلفیق این دو جهان، معلم تسهیل گر توجه ویژه ای به سرگذشت (پیشینه)، تجارب، نیازها، خواسته ها، نگرانی ها، و علایق و نقاط ضعف و قوت دانش آموزان نشان می دهد. شناخت از تک تک دانش آموزان، هدف ها و ارتباط برای معلم اهمیت چشمگیری دارد. بنابر این در آموزش فیزیک یا زیست شناسی، ممکن است سؤالاتی از این قبیل مطرح و بخواهید به آنها پاسخ دهید:

- ✓ بهترین راه برای پی بردن به علایق دانش آموزان چه می باشد؟
- ✓ چگونه می توان بین علایق فراگیران و موضوع درس ارتباط و تعادل برقرار نمایید؟
- ✓ علایق و نگرانی های فراگیران در درس فیزیک یا زیست شناسی چه می باشد؟
- ✓ روش تدریس من در برخورد با تفاوت ها، تنوع ویژگی ها، علایق و تمایلات فراگیران چگونه خواهد بود؟

تسهیل مستلزم آگاهی معلم از پیشینه فردی تک تک دانش آموزان، توجه نمودن به دانش و فهمی که دانش آموزان با خود به مدرسه آورده اند و احترام به دانش آموز به عنوان یک فرد است. در این رویکرد افزایش شناخت از دانش آموزان و انتخاب آن ها و اصالت و خودشکوفایی شان اساسی و مهم هستند.

۳- رویکرد آزاد اندیشانه:

مدافعان این رویکرد آن را به عنوان «تعلیم و تربیت انتقادی» نیز معرفی می کنند. بنابر این تدریس رهایی بخش جهت گیری مشخص و آشکاری به سوی عمل سیاسی و اجتماعی محسوب می شود. هدف این رویکرد، آزادسازی ذهن برای اندیشیدن، دانستن، درک کردن، تصور، خلق کردن، و استفاده از تمام میراث فکری زندگی متمدنانه است. در رویکرد آزاد اندیشانه هدف ها و دانش عوامل اساسی اند، در حالی که نقش روش، شناخت دانش آموز و روابط کاهش یافته می باشند.

معلم آزاد اندیش، همچون تسهیل گر، به منظور تحقق اهداف تدریس عمل می کند. اما برخلاف تسهیل گر، علاقمند است بداند میراث فکری و فرهنگی انسانی چگونه ایجاد شده تا شکل بخشی و پیگیری این هدف ها را بر عهده بگیرد. بدین ترتیب، در این دیدگاه هدف ها عمیقاً از طریق دانش (در ادامه معنای آن بیشتر توضیح داده شده است) شکل می گیرد. در دیدگاه تسهیل گر ممکن

است یک فراگیر به دلایل شخصی علاقه ای به مطالعه تاریخ نداشته باشد. در صورتیکه در رویکرد آزاد اندیشانه این انتخاب مجاز نمی باشد. در این دیدگاه خواندن تاریخ برای کسی که می خواهد پیشرفت های فکری نوع بشر را درک نموده و آنها را ارتقا دهد، ضروری است. در رویکرد آزاد اندیشانه این باور وجود دارد که ما آزاد یا مجاز نیستیم این ساختارهای دانش را نادیده بگیریم. برخلاف رویکرد مدیریتی که دانش غایت دستیابی فراگیران است، در رویکرد آزاد اندیشانه بر دانش صرف به عنوان غایت تاکید نمی شود، بلکه بیشتر برای آشنایی دانش آموز با خرد جمعی و فهم نوع بشر مورد توجه است. آزاد اندیش ها صرفاً به دنبال اشخاصی که دارای قابلیت علمی باشند نیستند (کما اینکه بسیاری از فجایع از سوی اشخاص صاحب دانش فراوان انجام شده است)، بلکه در پی اشخاصی هستند که پاک و مهربانند، کسانی که در تفکر خلاق و در رفتار بصیرند، و افرادی که معتقد به پیشرفت نوع انسان هستند.

از دیدگاه رویکرد آزاد اندیشانه، اهداف بزرگ به عنوان آرمان شرافت مندانه درک شده اند. شفلر مربی و فیلسوف دانشگاه هاروارد آرمان های رویکرد آزاد اندیشانه تدریس را این گونه توصیف کرده است:

'''اهداف تعلیم و تربیت باید مشتمل بر شکل بخشیدن به عادات قضاوت (ارزیابی) و توسعه شخصیت، ارتقای استانداردها، تسهیل ادراک، توسعه سلايق و قدرت تشخیص، برانگیختگی اعجاب و احساس، پرورش حس زیبایی و افزایش علاقه به ایده ها و دیدگاه های جدیدی باشد که هنوز ناشناخته اند.'''

در رویکرد آزاد اندیشانه کسب دانش و مهارت به تنهایی کافی نیست. دانش آموزان باید دانش را به شیوه ای که مناسب دانش است بیاموزند. در حقیقت، کاری که معلم آزاد اندیش در صدد انجام دادن آن است تنها از طریق فراهم ساختن شیوه ای صحیح و همراه با « سنت های عظیم انسانی تفکر خلاق » تحقق می یابد تا آرمان های رویکرد آزاد اندیشانه متجلی شود.

اگر موضوعی که باید آموخته شود احمقانه باشد، اگر به حدی ساده سازی شده باشد که ابهام، پیچیدگی و تنوع نداشته باشد، احتمالاً فرصت بسیار اندکی برای نشان دادن و تشویق کردن سبک فرهیخته یا روشنگرانه فراهم می کند. به این دلیل است که ادبیات، هنر و موسیقی برجسته و دیگر موضوعات مهم و برجسته در برنامه درسی آزاداندیشانه اساسی هستند. «آثار برجسته» دارای سطح هایی یا پیچیدگی و تنوع اند به گونه ای که برای پرورش فهم نقادانه، خلاقیت و بصیرت عمیق اهمیت دارند.

عنصر دانش در رویکرد آزاد اندیشانه عنصر مسلط است.

عنصر دانش در رویکرد مدیریتی یا اجرایی تا حد زیادی تصریح شده است. دانش از حقایق، ایده ها، موضوع ها و عرصه های روشن تشکیل و به شکل نتیجه های قابل اندازه گیری بیان شده است. وظیفه معلم آن است که دانش را از منبع آن به ذهن دانش آموز منتقل نماید. آزمون های عینی و استاندارد شده نیز برای تعیین دستیابی فراگیران به دانش مورد استفاده قرار می گیرند.

در رویکرد آزاد اندیشانه دانش از موضوعات قابل تشخیص و مجزایی که در ذهن دانش آموزان جای می گیرد، محسوب نمی شود؛ بلکه باید مجموعه بزرگی از بینش ها، ادراکات، ایده ها، نظریه ها و روش هایی تلقی شود که دانش آموز آن ها را پذیرفته است. در رویکرد اجرایی دانش ارائه می شود تا کسب شود. در رویکرد آزاد اندیشانه دانش نه تنها ارائه می شود تا کسب شود، بلکه فرد را قادر می سازد تا انجام دهد و به سوی شدن حرکت نماید. در رویکرد اجرایی دانستن معمول دانش کافی به نظر می رسد، اما در رویکرد آزاد اندیشانه دانش وسیله ای برای دستیابی به توانایی استدلال درست، قضاوت صحیح، تشخیص کیفیات زیبا شناختی و برای پرورش هوش مندی و تفکر می دانند. بنابر این در رویکرد آزاد اندیشانه کنترل های سختی روی آنچه دانش تلقی می شود، و مناسب برنامه درسی است اعمال می کنند. اچ هرست در این خصوص دانش را به هفت نوع تقسیم و معرفی نموده است (ص ۱۱۲ منبع): ریاضیات، علوم فیزیکی، علوم انسانی، تاریخ، مذهب، ادبیات، هنرهای زیبا و فلسفه. دهر کدام از این دانش ها مفاهیم خاص خود را دارد که جنبه های اساسی تجربه انسانی را کسب می کند. از منظر رویکرد آزاد اندیشانه، یکی از غایات تعلیم و تربیت دانش آموزان این است که عضویت در زندگی مدنی را بپذیرد. بنابر این، دانش مظهر ساختارهایی از علم و ادراک است که سرمایه اندوخته مدنیت را در بر می گیرد و دانش آموزان را آماده می کند که در گفت و گوی انسانی مشارکت نمایند.

سبک معلم در رویکرد آزاد اندیشانه: در این قسمت لازم است بین سبک معلم در تدریس (manner) با روش تدریس (Teaching Method) تمایز قائل شویم.

سبک، شیوه عام فعالیت است و معمولاً با ویژگی های معینی همچون فرد با محبت، منصف، بی رحم، شوخ طبع، میانه رو، دلسوز، عصبانی، شکیب، لجباز یا مهربان مرتبط است. برخورداری از منش های خوب یا بد بخشی از سبک افراد، اما تنها بخش کوچکی از آن است. در این کتاب سبک باید شیوه ای تلقی شود که شخصیت کامل فردی را در زمینه های مختلف آشکار سازد.

یادگیری برای تدریس هم تا اندازه ای در گوشه ای از سبک معلم جای می گیرد. به عنوان مثال، ویژگی های اخلاقی و عقلانی معینی برای تدریس خوب ضروری هستند. بعضی از این ویژگی ها عبارت است از:

- توانایی خوب گوش کردن
- عادل و صادق بودن در ارتباط با دیگران
- شکاک بودن به دیدگاه هایی که هیچ گونه شواهد یا دلایلی برای آن وجود ندارد یا دارای شواهد محدود است
- به رسمیت شناختن تفاوت های فردی
- استفاده از شیوه نقد مناسب

سبک معلم در رویکرد آزاد اندیشانه جایگاه خاصی دارد. رویکرد آزاد اندیشانه نیازمند ظهور سبک و توانایی خاصی است که نزد دانش آموزان شناخته شود. در غیر این صورت رویکرد آزاد اندیشانه با شکست مواجه می شود. برای مثال اگر معلمی دارای تفکر انتقادی نباشد و از آن در کلاس استفاده نکند، چگونه می توانید این نوع تفکر را که لازمه این رویکرد می باشد در دانش آموزان ایجاد نمایید.

سبک معلم در رویکرد آزاد اندیشانه از نگاه آر. اس، پیترز:

- ✓ باید به شواهد احترام گذاشت و از دستکاری یا تحریف آن پرهیز کرد.
- ✓ باید اعتراف به خطایی را که فرد انجام داده است، پذیرفت.
- ✓ نباید با مردمی که مخالف یا معترض اند، به تعارض برخاست.
- ✓ باید به مردم به عنوان مرجع (منبع) گفت و گو احترام گذاشت و از ناسزاگویی به آنها و توهین به آنچه می گویند احتراز نمود.
- ✓ آموختن علم تنها یادگیری حقایق و فهم نظریه ها نیست، بلکه آموختن مشارکت در شکل عامی از زندگی است که به وسیله این گونه اصول روشی (حقایق و نظریه ها) اداره می شوند. بنابراین، فردی که به شیوه علمی تربیت شده است مجبور خواهد بود این اصول روشی را که گردآوری گردیده، نقد شده و توسعه یافته است از طریق محتوای تفکر علمی فراگیرد.